

فرود از آسمان



سیدمصطفی هاشمی طبا

رئیس‌جمهوری محترم اسلامی ایران فرموده‌اند ما برق را به خانه‌ها می‌بریم تا به جای گاز مصرف کنند. تردید نباید کرد که این طرز فکر و اندیشه جایگزینی برق به جای گاز در خانه‌ها، اندیشه‌ای بجا و صحیح است و می‌تواند به جای آنکه ایران واردکننده گاز برای مصرف باشد، کشور را به یک صادرکننده گاز تبدیل کند، به‌طوری که نقش مناسبی در سیاست‌های انرژی دنیا داشته باشد. از سوی دیگر، وابستگی فوق‌العاده انرژی کشور به مصرف گاز از لحاظ امنیت ملی بسیار حائز اهمیت بوده و خطرات بسیار درون‌مرزی و برون‌مرزی بر آن متصور است. ما که دومین ذخایر گاز دنیا را داریم و می‌توانیم به‌عنوان مرکز صدور و نیز ورود گاز و به عبارتی هاب گاز منطقه باشیم، به دلیل سیاست‌گذاری‌های گذشته نه‌تنها کل گاز استخراجی و تولیدی خود را مصرف می‌کنیم، بلکه هرازگاهی یا در آینده به صورت مستمر مجبور به واردات گاز می‌شویم و نوع مصرف ما به طریقی است که مصرف سالانه ایران تقریباً معادل مصرف اتحادیه اروپاست. ببینیم آنچه ریاست‌جمهور محترم گفته‌اند، چگونه جامه تحقق در بر می‌کند. می‌دانیم کنتره‌های خانه‌ها قبلاً ۱۶ آمپر بود و به تدریج ۲۵ تا ۳۵ آمپر شد؛ یعنی نمی‌تواند بیش از ۳۵ آمپر عبور جریان برق را اجازه دهد. این به آن معناست که یک کنترور ۳۵ آمپر می‌تواند اجازه مصرف حدود هفت کیلووات برق را بدهد. حال اگر بخواهیم بر مصرف معمولی خانه‌ها، اجاق گاز، وسایل گرم‌کننده و… را بیفزاییم، کنتروری با حداقل ۵۰ آمپر مورد نیاز است و البته سیم‌کشی داخل ساختمان‌ها و علاوه بر آن کابل‌های زیرزمینی داخل کوچه‌ها و خیابان‌ها با بار بسیار زیادی روبه‌رو شده و ذوب می‌شوند یا آتش‌سوزی رخ می‌دهد. بنابراین فرمایش ریاست‌جمهور مستلزم تعویض بخاری‌ها و سیستم‌های گرم‌زا، اجاق‌های یخت‌وپز، سیم‌کشی داخل ساختمان (حسب ضرورت)، تعویض کنترورها، قوی‌کردن کابل‌های زیرزمینی کوچه‌ها و خیابان‌ها و نهایتاً نوسازی پست‌های توزیع برق است که صدالبته هم کاری زمان‌بر است و هم شاید ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داشته باشد و نهایت‌تغییر مصرف گاز به برق در مصارف خانگی و تجاری حدوداً نیاز به ۵۰ هزار مگاوات برق جدید دارد که باید از احداث نیروگاه‌های جدید و احیاناً نیروگاه‌های خورشیدی تأمین شود. می‌بینیم که این کار در کوتاه‌مدت بسیار غیرعملی و غیراقتصادی است و معلوم نیست ایده این کار با چه کسی بوده. شاید مربوط به وزیر محترم نیرو بوده که در زمان صدارت در وزارت صمت یک دستگاه اتومبیل را به زنده‌یاد رئیسی نشان دادند و گفتند اتومبیل برقی طراحی خود ماست و تا آخر سال (این نمایش در شهریور ۱۴۰۲ اتفاق افتاد) صد هزار دستگاه تولید می‌شود و البته تا پایان ۱۴۰۲ یا ۱۴۰۳ حتی یک دستگاه تولید نشد. با تأیید اصولی ایده ریاست‌جمهور محترم می‌توان نوعی دیگر در گاز صرفه‌جویی کرد، بدون آنکه مسائل پیرامونی ذکرشده ایجاد شود. گفتیم که برای جایگزینی گاز خانه‌ها و مکان‌های تجاری حدود ۵۰ هزار مگاوات برق لازم است. بسیار خب، این را می‌توان از انرژی خورشیدی یا ذخیره‌سازی‌های لازم انجام داد و نیروگاه‌های گازی را تعدیل یا تعطیل‌کرد. حدود ۳۵ درصد گاز مصرفی کشور به نیروگاه‌ها تزریق می‌شود؛ بنابراین روزانه حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز آزاد می‌شود و می‌توان آن را با از طریق لوله به همسایگان یا به شکل آلان‌چی مانند قطر به خارج صادر کرد و حتی می‌توان در قبال آن، طی قراردادی نیروگاه‌های خورشیدی را ایجاد کرد. این روش بسیار کم‌معمونه‌تر و کم‌هزینه‌تر از آن‌همه تغییرات خانه‌ها و مراکز تجاری و سیستم‌های توزیع برق است و به صورت متمرکز انجام می‌شود و فاقد هرگونه هزینه اجتماعی است. هرچند ایده آقای رئیس‌جمهور هم می‌تواند به تدریج عملی شود. این نمونه را بهانه‌ای کنیم برای آنکه بگوییم مسئولان حکمرانی به‌هیچ‌وجه وظیفه پنهان‌شدن در پشت ایدئال‌ها و آرزوهای دست‌نیاقتی را ندارند. از رساندن مردم به اوج انسانیت، نابودکردن استیکار جهانی، اول‌شدن در منطقه، گسترش جهانی انقلاب اسلامی تا حسینه‌کردن کاخ الیزه و مسجدکردن کاخ سفید و متحدکردن جهان اسلام و بسیاری دیگر از آرزوهایی که برای مردم گفته‌اند، باید دست بردارند و از آسمان تمبیل و توهم و ایدئال‌پرازی به زمین حفظ ایران و توسعه پایدار و تربیت انسان‌ها و تلف‌نکردن منابع طبیعی خدادادی و مبارزه با فقر و

جهل و فساد و رانت‌خواری ببینند و حفظ ایران و انقلاب اسلامی را در دستور کار قرار دهند.

۴۳ صفحه ادامه در صفحه ۱۱

پنجشنبه ۶ آذر ۱۴۰۴
۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۲۷ نوامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۴۵
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



در «شرق» امروز می‌خوانید:

ادعای عبور جنگنده‌های اسرائیلی از آسمان عراق بدون تأیید رسمی؛ مانور یا عملیات؟! • خشونت جنسیت‌محور، قتل زنان و پیامدهای اجتماعی آن

افشای مکالمه عجیب فرستاده ویژه آمریکا با دستیار پوتین

راهنمای رام کردن ترامپ در ۵ دقیقه

گزارش بیشتر یک رادر صفحه ۵ بخوانید



این گزارش رادر صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

سخنگوی محترم دولت با استدلال سخن بگوید



کیاکوس پورابویی

وقت تصمیم گرفته بود افزایش سوخت بنزین و گازوئیل در کشور به صورت گام به گام انجام شود، اما مجلس وقت بدون بررسی‌های لازم کارشناسی، انجام ارزیابی و آینده‌نگری، صرفاً در یک حرکت پوپولیستی به‌اصطلاح خواستند به مردم و جامعه هدیه دهند، غافل از اینکه خشت اول چون نهد معمار کج/ تا ثریا می‌رود دیوار کج. بالاخره گذشته هرچه بود، گذشت و اکنون نمی‌توان به آن زمان برگشت، ولی برای آینده دوباره تصمیمات اشتباه را تکرار نمی‌کنند. موضوع افزایش بنزین به‌صورت موج‌وار همه دریا را موج می‌کند؛ از تاکسی‌های اینترنتی، حمل‌ونقل عمومی، جابه‌جایی کالا

یادداشت

شیوه نامطلوب ایجاد ساختارهای موازی در شهر



ترانه‌یلدا

معمار و شهرساز

چند روز پیش به پوستری پوشیده از نوشته، نمودار و لوگوی تشکیلات مهمی مانند شورای شهر تهران و سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران برخوردم که نظم را جلب کرد. پست تلگرامی مربوطه با هیچ توضیحی همراه نبود ولی یک لینک ثبت‌نام در زیر آن خودنمایی می‌کرد که با آن، افراد و شهروندان عادی می‌توانستند به عضویت «باشگاه داوطلبان اجتماعی شهر تهران» درآیند. به نظر می‌رسید تشکیلات جدیدی باشد که تحت عنوان نوآوری و مشارکت‌های اجتماعی می‌خواهند به مسائل محلات و احیاناً تبلیغ برای اهداف و سیاست‌های آتی شهرداری بپردازند. در شرح مفصل «ما که هستیم!» افشاکه داوطلبان آمده بود که می‌خواهند برای انواع همکاری، حمایت، همفکری، ترویج و... با هدف ارتقای مشارکت اجتماعی و «تقویت مسئولیت اجتماعی در مدیریت شهری» کار کنند؛ که البته مدیریت شهرداری به آن نیاز وافر دارد. در نمودار زیبای تشکیلاتی باشگاه نیز علاوه بر دبیرکل و رئیس هیئت اندیشه‌ورزی، یک‌سری دبیران کارگروه‌ها و کمیته‌ها در سطوح منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محله‌ای هم بودند که تعداد کارکنان فعال در باشگاه را به هزاران می‌رساند. مسلم است که جذب جمعیتی عظیم به‌عنوان داوطلب و تعلیم آنها برای رخنه در محلات کلان‌شهر تهران کار آسانی نیست و به راه انداختن چنین باشگاهی، حتی با پذیرایی مختصر و با فرض استقرار آن در سراهای محلات موجود، انرژی و هزینه بسیاری را طلب می‌کند.

به هر حال، شورای شهر تهران هیچ مصوبه‌ای تحت عنوان باشگاه داوطلبان اجتماعی یا هیئت اندیشه‌ورز یا محله اسلامی (همه کلیدواژه‌های شهردار محترم) ندارد؛ چه اختصاصی و چه داخل مصوبات دیگر. در سامانه جامع مصوبات شورا، تنها جایی که به نحوی عنوان باشگاه‌های موضوعی آمده است— آن‌هم نه باشگاه‌های داوطلبان اجتماعی— در مصوبه سال ۹۹ شورا در مورد هوشمندسازی مشارکت‌هاست. متولی آن نیز سازمان رفاه، خدمات اجتماعی و مشارکت‌های مردمی نیست. تنها آمده که شهرداری تهران موظف است موارد زیر را اجرایی کند: بند ۳، افزودن امکان مشارکت شهروندان در امور شهری، ... از طریق پروفایل شهروندی درگاه تهران من. و به طور خاص در بند ۴، فراهم‌کردن امکان فعالیت باشگاه‌های علاقه‌مندی موضوعی، مجازی و محله‌محور بر روی درگاه «تهران من» از قبیل باشگاه سلامت، باغات و نظایر آن ... ضمناً اساسنامه جدید سازمان خدمات اجتماعی (۱۴۰۲) نیز معطوف به حوزه آسیب‌های اجتماعی است و بر مواردی مانند ایجاد نظام حمایت اجتماعی جامع، ایجاد و توسعه زیست‌بوم توانمندسازی افراد آسیب‌دیده اجتماعی، ایجاد اشتغال با تأکید بر توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر، ارتقای تاب‌آوری اجتماعی، پیشگیری از ورود به چرخه آسیب گروه‌ها و اقلیت‌ها در معرض آسیب متمرکز است. و صد البته که برای دستیابی به این اهداف سازمان باید از شناسایی افراد آسیب‌پذیر و هدایت آنها به مراکز نگهداری و بازپروری،

و خدمات تا خود کالاه‌ا، خدمات و معیشت مردم و... آن وقت می‌گویند چیزهای دیگر در اولویت است؛ یعنی با افزایش بنزین، قیمت گوشت و مرغ، حبوبات، برنج، لبنیات، میوه‌جات و... کاهش پیدا می‌کند؟ یا دولت دستی بر امور دارد تا با اصلاح قیمت سوخت، پدیده محیط زیست، انرژی، وضعیت نابسامان آب، هوا و ده‌ها عامل دیگر را سامان دهد و نقشه راه نوبنی برای آینده کشور ترسیم کند؟ این گوی و این میدان؛ اگر فردای افزایش بنزین، قیمت‌ها، اقلام، خدمات و زندگی برای مردم چند برابر نشد و تورم دوباره زیانه نکشید، پس حرف سخنگوی محترم حجت است و باید طلا گرفته شود، اما اگر برعکس شد، دوباره شهروندان باید تاوان تصمیم‌گیری خلق‌الساعه مدیران را بپردازند؟ دولت کسری بودجه دارد؛ کسری بودجه‌ای که در طول سنوات گذشته روی هم تلنبار شده است. راه‌حل دست‌بردن در جیب شهروندان نیست؛ مطمئناً این افزایش قیمت به چرخه تولید یا توزیع عادلانه و منصفانه بر نمی‌گردد، پس تصمیمی نگیریم که فردا برای بازپس‌گیری آن، تمام دستگاه‌ها را مأمور کنیم و مانند فلیترینگ شبکه‌های اجتماعی نتوانیم کاری از پیش ببریم.

تعاونی‌های اجتماعی و شبکه کسب‌وکار محلی و صندوق‌های مشارکتی با اولویت مناطق کمتر برخوردار و اقلشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده اجتماعی نیز شده است. اینها همه عالی و درجه یک! اما سؤال اینجاست که آیا مسئولیت آنچه در طرح شورای شهر آمده، قرار است برای اجرا در دست باشگاه داوطلبان قرار گیرد؟ یا اینکه این‌گونه وظایف کلا در حیطه مأموریت‌های سازمان یعنی حوزه آسیب‌های اجتماعی است، آن‌هم همراه و ذیل مشارکت با «سازمان‌های مردم‌نهاد»، نه با تشکل‌سازی‌های جدید و موازی که هنوز با مشکلات آشنا نیستند. درواقع این قوانین به آن معناست که تعامل شهرداری تهران با سمن‌ها باید در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه و با همکاری همه نهاده‌های قانونی ذی‌ربط انجام گیرد و نه طی تشکیلات‌سازی‌های جدید موازی تحت عنوان باشگاه داوطلبان اجتماعی و هیئت اندیشه‌ورز. یعنی درواقع شهرداری ممه‌جا باید کمک کند، اما نه اینکه نهادی با تشکلی بسازد. پس روشن است که ایجاد یک ساختار موازی تحت عنوان باشگاه داوطلبان —آن‌هم داوطلبان صفر کیلومتری که بدون هیچ پیش‌شرطی می‌توانند به باشگاه بپیوندند— می‌تواند کارها را پیچیده‌تر کند و حیطه مسئولیت‌ها را مخدوش و سردرگم... آیا این دبیران کارگروه‌های محله‌ای و ناحیه‌ای باشگاه جدیدالتأسیس داوطلبان، موازی با همین هیئت امنای موجود در محلات نخواهند بود؟ و با آنها اختلاف نظر پیدا نخواهند کرد؟ آن‌هم در شرایطی که همین هیئت امنای انتصابی محلات -که بعد از لغو شورایی‌ها از طرف دیوان عدالت اداری جای این شوراهای محلی را گرفتند- خودشان اختلافاتی درخور توجه با مدیران سراها دارند؟

برگزیده‌ها

هشدارهایی از جنس بنزینی در میان تذکرات شفاهی نمایندگان به مسئولان اجرایی

اختلاف بر سر مصوبه سه‌نرخی بنزین

۲ گزارش

گزارش «شرق» از آخرین وضعیت پارک جنگلی بیستون که خشک و آفت‌زده شده است

۱۷۰ اصله درخت در یک‌قدمی نابودی

۱۰ ایران

ایران در سید دوم؛ شمارش معکوس برای قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶

خوشبختی در کمین است

۹ گزارش

گزارش «شرق» از جاده‌های خطرناک و مرگباری که دانش آموزان مناطق کم‌برخوردار برای رسیدن به مدرسه طی می‌کنند

جاده‌های مرگ مصدومیت و ترک تحصیل

۸ بازتاب

واکنش مالک شریعتی نیاسر نماینده مجلس به گزارش «شرق»

۴ یادداشت

هیرکانی سال‌های درازی است که آتش گرفته



عبدالحسین طوطایی

پژوهشگر کشاورزی

جامعه خسته کشورمان، روزهای پرشماری است که در رتای سوختن درختان سبزقامت هیرکانی آسیب‌دیده‌اش در امواجی از ناله و مویه می‌گرید. جمعی از پاک‌باخته‌ترین مردم ما نیز مانند همیشه تاریخ و با داستانی خالی اما مالامال از اراده سترگ، مانند پروانه چه‌بسا با سوختن بر گرد این شمع، بر ميثاق عاشقانه خود پای می‌فشرند. در این میانه انگشت‌های اشاره به سویی بی‌مبالاتی عامل انسانی است، جنگل‌های بی‌نظیر هیرکانی که تاریخی طولانی‌تر از انسان را بر زیست‌بوم حاشیه دریا نگاشته‌اند، بیش از شش دهه است در آتش بی‌دبیری مراقب و ناهم‌زستی ساکنان هم‌جوارش می‌سوزد. سوختنی که گاه مانند زبانه‌های سرکش‌گر اخیر، بر دیدگان وجدان عمومی اشک جاری می‌کند، اما در بسیاری زمان‌های دیگر و در نفیر مرکزی اره موتوری‌ها و غرش ماشین‌آلات آموزشی، تخریب، تنها در برآمدن قارچ‌گونه هزاران ویلا خود را نشان می‌دهد.

۴۳ صفحه ادامه در صفحه ۵

جناب آقای دکتر علی احمدی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان

مرحوم فرزاد احمدی

را تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند متعال برای

آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و

خانواده محترم، صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

امیرمظاهری

۴۳ صفحه ادامه در صفحه ۵

۴۳ صفحه ادامه در صفحه ۵